

فریاد خاموشان قسمت ۱۴ و ۱۵

فریاد خاموشان (قسمت چهاردهم)

جنگ و فریاد زمین



سراج ادیب

تاریخ فقط از انسان سخن نمی‌گوید؛ زمین هم شاهد است، هم قربانی و هم فریادگر. جنگ‌ها، سیاست‌ها و طمع‌های قدرت، نه تنها جان انسان‌ها، بلکه خاک، کوه و درخت را نیز به نابودی کشانده‌اند. زمین، با تمام سکوت، فریادی خاموش دارد که هرگاه گوش باز کنیم، می‌توان آن را شنید. روستاهایی که با خاک یکسان شدند، رودهایی که خشکیدند، دشت‌هایی که به میدان نبرد تبدیل شدند، همه روایتگر چهره پنهان تاریخ‌اند. انسانی که زمینش را از دست می‌دهد، بخشی از هویت خود را نیز از دست می‌دهد؛ چرا که زمین، حافظه و میراث فرهنگی اوست. قدرت‌ها غالباً به این فریاد بی‌اعتنا هستند. پروژه‌ها، قراردادهای و جنگ‌ها در نگاه آنان نمود اقتصادی یا سیاسی دارد، اما زمین، بی‌صدا، از هر ضربه‌ای زخمی می‌شود. زمین همسو با انسان، تاریخ را تجربه می‌کند و هر درخت بریده‌شده، هر رود آلوده‌شده، هر کوه ویران‌شده، یادآور نسلی است که از تاریخ چیزی به جز ویرانی به یاد ندارد. شناخت فریاد زمین، وظیفه‌ای انسانی است. زمین نه تنها خانه ما، بلکه شاهد حوادث و قربانی سیاست‌های ماست. اگر به این فریاد گوش ندهیم، آینده ما نیز در سایه تاریخ تکراری و ویران‌شده، همچون زمین، پژمرده خواهد شد. فریاد زمین، یادآور این است که تاریخ واقعی، تنها آنچه بر کاغذ نوشته شده نیست؛ بلکه در دل خاک، در رگ‌های رودها، در تنه درختان، و در هر سنگی که زیر پای انسان‌ها خرد شده است، زنده است. و ما باید بیاموزیم که آن را بشنویم، به آن احترام بگذاریم و از تکرار ویرانی جلوگیری کنیم.

قسمت پانزدهم در آینده

فریاد خاموشان (قسمت پانزدهم)

بازماندگان سکوت



سراج ادیب

پس از هر جنگ، هر بحران، هر ظلم و هر تجاوز، بازماندگان سکوت می‌مانند؛ کسانی که صدایشان در تاریخ رسمی شنیده نمی‌شود و دردشان در کتاب‌ها ثبت نشده است. این بازماندگان، نه تنها از فاجعه گذشته رنج می‌برند، بلکه با سایه فراموشی و بی‌توجهی جامعه نیز دست به گریبان‌اند. بازماندگان سکوت، کودکانی هستند که در کوچه‌های ویران، بازی‌های خود را با خاطرات خشونت و فقدان پیوند می‌دهند. زنانی هستند که اشک‌هایشان هرگز به چشم هیچ قاضی یا تاریخ‌نگاری نرسیده است. مردانی هستند که رنج فراموش شدن را بر دوش دارند، اما از بیان آن محروم‌اند. این سکوت، یک انتخاب نیست؛ یک اجبار است. قدرت‌ها ترجیح می‌دهند بازماندگان، سکوت کنند تا روایت رسمی تاریخ بدون مزاحمت پیش رود. اما هر سکوت، هرچند خاموش، یک فریاد ناپیدا است که در قلب و ذهن بازماندگان زنده می‌ماند و نسل‌ها آن را به گونه‌ای دیگر تجربه می‌کنند. شناخت بازماندگان سکوت، شناخت روح انسانی و عمق تاریخ واقعی است. تنها با شنیدن این سکوت‌هاست که می‌توان به حقیقت نزدیک شد و چرخه فراموشی و تباهی را شکست. بازماندگان سکوت، ما را به یاد می‌آورند که هر تاریخی که بدون صداهای خاموش نوشته شود، ناقص و ناپایدار است. درک بازماندگان سکوت، نه برای بازگرداندن گذشته، بلکه برای ساختن آینده‌ای انسانی‌تر و عادلانه‌تر است. آنان چراغ‌های خاموشی هستند که اگر روشن شوند، مسیر را برای عدالت، همدلی و صلح روشن خواهند کرد.

قسمت شانزدهم در آینده